

هم خیاطی هم آشپزی

او حرف‌هایش را ادامه می‌دهد: ملافه، کاور تشک، لحاف، سرویس آشپزخانه و هرچه بازار و طالب داشت می‌دوختیم و در نمایشگاه‌ها می‌فروختیم. چون تعداد بچه‌ها زیاد بود، آشپزی هم راه‌انداختیم. پیراشکی، پيازداغ، لوبیا و باقالی آماده می‌کردیم و شیرینی‌های خانگی می‌پختیم. کرونا که آمد، آشپزی را کلا جمع کردیم. کارگاه خیاطی هم تعطیل شد و بچه‌ها دو سال کارها را در خانه انجام می‌دادند تا اینکه از شب چله دو سال پیش این زیرزمین را گرفتیم و کار را دوباره شروع کردیم. آشپزی را دوباره راه‌انداختیم چون جایی نداشتیم. برای خیاطی هم بچه‌ها نوبتی می‌آیند. بعضی‌ها هم که نمی‌توانند بیایند، در خانه کار می‌کنند و می‌فرستند. الان یکی از بچه‌ها که معلولیت جسمی دارد، فقط بایک دست گل‌دوزی می‌کند. بعضی‌ها نگین، مروارید و دکمه می‌دوزند و چاپ روی پارچه هم انجام می‌دهند.

دخترهای مثبت

فاطمه وزیری مربی کارگاه است. او به واسطه خواهرش که معاون مدرسه صالحه بوده با بچه‌های توان‌یاب آشنا شده است و از سال ۹۰ در دوخت و دوز به بچه‌ها کمک کرده است. می‌گوید: از سال ۹۰ کنار بچه‌ها هستم. عاشق کار کردن با آن‌ها هستم. به سکوئی که الان هست نگاه نکنید. آن قدر پرانرژی هستند که خسته نمی‌شوم. کارهایشان را هم خوب و درست انجام می‌دهند. یکی در کار دوخت راسته است، یکی برش زدن، یکی اتوکاری، یکی سردوزی و یکی هم مونتاژ. تکه‌تکه‌های پارچه که بعضی از آن‌ها در ابعاد پنج در پنج سانتی متر است. هر کدام هم از یک جایی می‌آید: مریم از آرامگاه فردوسی، کیمیا از کوهسنگی و الهام از سمت میثاق. کار کردن را دوست دارند و اگر یک وقت بگویم کارگاه تعطیل است، کلی ناراحت می‌شوند. دخترهای مثبت من با کار هم انرژی می‌گیرند هم به دیگر دوستانشان کمک می‌کنند.



این کارگاه درآمد چندانی ندارد مگر اینکه مکانی در اختیار آن‌ها قرار بگیرد تا کار را گسترش دهند. کاری که به نفع قشری از جامعه است که هرکاری را نمی‌توانند انجام دهند. این بچه‌ها در حال حاضر حقوق ثابتی دریافت نمی‌کنند و کمک هزینه‌های زندگی و دارو به آن‌ها داده می‌شود. البته هزینه رفت و آمد را هم می‌گیرند و شب‌های عید کارت هدیه به آن‌ها می‌دهند. درآمد بنیاد با تمام دوندگی‌ها چندان نیست اما اگر شما بخواهید، شاید بتوانید کمکی باشید، کمکی به بنیادی که شعارشان این است: مادکترای تلاش از دانشگاه پشتکار داریم!

